

## چرا این دولت با همه ضعف‌هایی که دارد باید ادامه دهد؟

یکی از بحث‌های صورت گرفته در خصوص مسائل جاری کشور آن است که دولت توان اداره کشور را از دست داده و باید ترتیباتی اتخاذ شود تا بر اساس آن در همین نقطه، پایان فعالیت دولت اعلام شود. این نگاه بر این استدلال است که دولت کنونی برای اداره کشور در شرایط کنونی ایده و راه‌حلی در اختیار ندارد و حال که اینگونه است، بقای چنین دولتی چه سودی به حال خودش و مردم دارد؟ و همان بهتر که از ابزارهای قانونی که در جمهوری اسلامی پیش بینی شده استفاده کرد و رئیس‌جمهور را به مجلس کشاند و او را استیضاح نمود. در پاسخ به این مسئله دو پاسخ قابل ارائه است:

### عزل رئیس‌جمهور با در نظر گرفتن قانون اساسی:

در جمهوری اسلامی ایران، رئیس‌جمهور در صورت تخلف یا عدم توانایی رئیس‌جمهور از انجام وظایف قانونی خویش، به دو طریق از کار خود برکنار می‌شود: ۱. در صورتی که دو سوم کل نمایندگان مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت رئیس‌جمهور رای دهند و رهبری هم رای آن‌ها را تصویب نماید. مطابق اصل ۸۹ (بند ۲) قانون اساسی پیرامون استیضاح و برکناری رئیس‌جمهور چنین بیان می‌دارد: «در صورتی که حداقل یک سوم از نمایندگان مجلس شورای اسلامی رئیس‌جمهور را در مقام اجرای وظایف مدیریت قوه مجریه و اداره امور اجرایی کشور مورد استیضاح قرار دهند، رئیس‌جمهور باید ظرف مدت یک ماه پس از طرح آن در مجلس حاضر شود و در خصوص مسایل مطرح شده توضیحات کافی بدهد. در صورتی که پس از بیانات نمایندگان مخالف و موافق و پاسخ رئیس‌جمهور، اکثریت دو سوم کل نمایندگان به عدم کفایت رئیس‌جمهور رأی دادند مراتب جهت اجرای بند ده اصل یکصد و دهم به اطلاع مقام رهبری می‌رسد». ۲. در صورتی که دیوان عالی کشور حکم به تخلف رئیس‌جمهور از وظایف قانونی اش بدهد و حکم مذکور مورد تصویب رهبری قرار گیرد. براساس بند ۱۰ اصل ۱۱۰ قانون اساسی یکی از وظایف و اختیارات رهبر، عزل رئیس‌جمهور می‌باشد. عزل وی توسط مقام رهبری وقتی میسر است که مصالح کشور ایجاب نموده و علاوه بر آن دیوان عالی کشور رئیس‌جمهور را به تخلف از وظایف قانونی محکوم کرده باشد. (ر.ک: اصل ۱۱۰ قانون اساسی و قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیتهای رئیس‌جمهور مصوب ۱۳۶۵).

در ادامه پاسخ به این مسئله باید این‌گونه بیان نمود که هر چند در قانون اساسی موضوع نظارت مجلس بر دولت به طور عام و سؤال و استیضاح از رئیس‌جمهور و وزراء به طور خاص مطرح شده است، اما ابزارهای در اختیار نمایندگان مجلس شورای اسلامی برای اعمال حق قانونی خود از تذکر شروع می‌شود و نهایتاً به استیضاح ختم می‌شود. نکته مهم در اینجا آن است که لازم است نمایندگان برای نظارت بر مجموعه دولت متناسب با موضوع پدیدآمده از هر کدام یک از ابزارهایی که در اختیارشان قرار گرفته باید استفاده کنند. بیان این نکته از این حیث اهمیت دارد که معمولاً با وقوع شرایط خاص در جامعه بلافاصله افکار و برخی از مطالبات به سمت برکناری سوق پیدا می‌کند. حال آنکه پیش از برکناری، قانون مسیره‌های دیگری را نیز پیش بینی کرده است. جدای از آن که حل و فصل بسیاری از مشکلات مربوط به دستگاه‌های اجرایی کشور اعم از وزیران و رئیس‌جمهور، لزوماً وابسته به برکناری آنان نیست، هر چند عزل مسئولان، در صورتی که راه‌های دیگر موثر نیفتد آخرین راهکار برای سامان دادن به مشکلات مردم و منافع ملی کشور محسوب می‌شود.

### عزل رئیس‌جمهور با در نظر گرفتن شرایط سیاسی کشور:

اما در زمینه مسائل اخیر کشور که در پی افزایش قیمت کالاها و نوسانات بی‌سابقه ارز صورت گرفته، ذهنیت‌ها و افکار عمومی مجدداً به سمت عزل رئیس‌جمهور سوق پیدا کرده است و عده‌ای از نیروهای انقلابی از سر دلسوزی و دغدغه‌مندی و با هدف حل مسائل اقتصادی و معیشتی مردم، طرح موضوع برکناری رئیس‌جمهور را از قوه مقننه مطالبه‌گری می‌نمایند. البته در این میانه برخی از اصلاح‌طلبان در این ایام با طرح موضوع استعفای رئیس‌جمهور بدنبال مقاصد سیاسی و جناحی خود هستند که فعلاً در این متن روی سخن با آنها نیست. تشخیص ضرورت این اقدام به طور طبیعی بر عهده نمایندگان مردم در مجلس

شورای است، اما با لحاظ اهمیت «شرایط» و «زمان» آیا وضعیت کنونی و عزل رئیس جمهور کمکی به حل مشکلات پدیدآمده می‌کند یا خیر؟ در این زمینه نکته مهم‌تر تشخیص چنین موضوعی از حیث منفعت داشتن برای مردم و در نظر گرفتن شرایط زمانی است. آیا غیر از این است که هدف اصلی از اعمال قانون بر رئیس جمهور و یا وزراء سامان پیدا کردن امور اقتصادی و معیشتی مردم است؟ تصور کنید که مجلس شورای اسلامی در اولین فرصت ممکن رئیس جمهور را از مقام خود عزل نموده است، آیا فرصت باقی‌مانده اجازه و امکان تحقق مطالبات و مسائل حل نشده کنونی را به رئیس جمهور خواهد داد؟

نکته مهم دیگر آن است که رئیس جمهور برآمده از رای مردم است. اگر چنانچه رای و اراده مردم در میانه راه از رئیس جمهوری که پیش‌تر برگزیده اند بدلیل ناکارآمدی و ضعف در عملکرد تغییر کند، در فرصت بعدی این امکان را می‌یابند که دست به انتخاب دیگری بزنند. این ملاحظه مهم، مبنای اساسی و ثابت برای جمهوری اسلامی در تاریخ انقلاب اسلامی بوده است و هم حضرت امام رحمه الله علیه و هم رهبر معظم انقلاب اسلامی با اعتقاد بنیادین به مردم سالاری دینی به حمایت از دولت‌های زمانه خود و تداوم فعالیت دولت‌ها پرداخته‌اند. البته قضیه بنی‌صدر که حضرت امام رحمه الله علیه بسیار کوشیدند تا کار وی به برکناری ختم نشود و تجربه اولین رئیس جمهور اسلامی ایران به عدم کفایت منجر نگردد، یک استثناء تلقی می‌شود؛ چرا که خیانت‌های بنی‌صدر در زمان جنگ عملاً ایران را به کشوری مغلوب در مقابل نظام سلطه تبدیل می‌کرد. اما در دیگر دوران‌ها، رویکرد و مواضع اصولی و ثابت امامان انقلاب اسلامی تایید رای مردم و کمک و حمایت از رئیس جمهوری بوده که از سوی مردم انتخاب شده است. با این حال روش‌های کنترلی دیگری برای تنظیم رفتارها و عملکرد دولت وجود دارد که می‌توان از آنها به موقع و اصولی استفاده کرد.